استطاعت در حج

حسن رهبري

مناسك

حج ، آميزه اي از كنش هاي بدني در جغرافياي كعبه است كه به قصد قربت به پروردگار جهانيان انجام مي گيرد . اعمال تعريف شده در كنار خانه خدا را « مناسك حج » مي گويند . مناسك در اديان مختلف ، نقش آفريني ها و اثربخشي هاي مهمي دارد كه در ديدگاه دانشمندان جامعه شناس چنين است :

يو آخيم واخ : كليه اعمالي كه از تجربه ديني مايه گرفته يا با تجربه ديني مشخص مي شود ؛ همه در حكم بيان عملي مناسك هستند . به معناي محدودتر ، مناسك ، عمل يا اعمال پرستش انسان ديندار است . ( 1 )

تاريخ مناسك ديني نشان دهنده تأثيرات متقابل و مستمر ميان اجبار سنت از يك طرف و كشش دائم براي آزادي فرد ، ايجاد انگيزه هاي تازه و بروز فعاليت خلاّقِ انسانِ ديندار از طرف ديگر است كه در سير تكاملي الگوهاي فكري بشري ملاحظه مي كنيم . ( 2 )

به نظر « دوركيم » ، همين مناسك است كه احساسات مذهبي را ايجاد ، تقويت و تجديد مي كند . حس وابستگي به يك قدرت خارجي روحاني و اخلاقي را كه در واقع همان جامعه است ، تشديد مي نمايد . همين مناسك و ماهيت جمعي چنين گردهمايي هاست كه اين همه شور و شوق برمي انگيزد و شركت كنندگان را به اهميت گروه و جامعه در قالب آيين هاي مذهبي آگاه مي سازد . بدين سان مناسك ، همبستگي و انسجام اجتماعي را ايجاد و حفظ مي كند . ( 3 )

« ردكليف براون » نيز معتقد است : مناسك كاركرد اجتماعي خاص دارد ؛ كه

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . جامعه شناسي دين ، يو آخيم واخ ، ترجمه جمشيد آزادگان ، 1380 ، نشر سمت ، ص26

2 . همان ، ص27

3 . مسجد نهاد عبادت و ستاد ولايت ، حسن رهبري ، 1380 ، دبيرخانه كانون هاي فرهنگي هنري مساجد ، ص155

ضمن تنظيم و حفظ احساساتي كه مبناي ساختمان را تشكيل مي دهد ؛ آن را از نسلي به نسل ديگر انتقال مي دهد . ( 1 )

به عقيده « گيرتس » : مكانيسم ايجاد كننده ايمان ، مناسك است . ايمان مذهبي در جريان مناسك مذهبي ايجاد مي شود . ( 2 )

دين زنده ، با ماهيتي كه دارد ، بايد رابطه اجتماعي را خلق كرده و از آن نگهداري كند . ( 3 )

انواع مناسك :

ـ مناسك خانوادگي : دعا ، نماز ، زيارت ، قرباني ، قرآن خواني و . . .

ـ مناسك خويشاوندي : صله ارحام ، ازدواج ، دعا ، نماز ، زيارت ، وليمه دادن ، عيادت مريض و . . .

ـ مناسك محلي : مسجدسازي ، مراسم دعا ، قرائت قرآن ، مراسم شب قدر ، نماز جماعت ، نماز .

ـ مناسك ملي : مانند مثال هاي بالا .

ـ مناسك جهاني : حج .

مناسك جهاني ، براي دنياي خارج از اسلام مفهوم ناشناخته اي است . جامعه شناسان غربي ، در بيان انواع مناسك ديني ، توانسته اند تا مناسك ملي و نژادي پيش بروند . حال ، اگر در قرن اخير به پديده جهاني شدن مي انديشند ، جز در چهارچوب روابط مادي و سياسي ، تصوّري از جهاني شدن را درك نمي كنند .

حج ، مهم ترين مناسك ديني در آيين مقدس اسلام است كه ، مي تواند مسلمانان را ساليانه در يك اجتماع عظيم مذهبي گردهم آورد و همگان را با دستور و نظام هماهنگ و شعار واحد به اجراي مراحل مختلف مناسك ، هدايت نمايد و ارتباط معنوي با خدا و مردم را در عالي ترين و زيباترين صورت نشان دهد .

اين است كه حج در اسلام از اركان اعتقادي ايمان آورندگان به شمار مي رود و در قرآن و روايت ها ، به رفتن به سوي آن تأكيد مي شود ؛ اما نه هجوم همگاني ، كه ممكن نخواهد بود ، بلكه آنان كه شرايط برايشان فراهم است و عذر و مشكل خاصي براي به جا آوردن مناسك حج ندارند ، بايد آهنگ حج نمايند .

مناسك جهاني حج در سفارش پيشوايان اسلامي

احكام و دستورهاي اسلامي همواره متناسب با مصالح و مفاسد فردي و اجتماعي صادر شده است . هركدام آثار فردي و اجتماعي خاصي دارد . هركدام از

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان .

2 . همان ، ص156

3 . جامعه شناسي دين ، ص28

ديگري متأثر مي باشد . همگي در يك سخن ، اسلام را تعريف مي كند . اگر روزه اثر فردي بيشتري دارد ، نماز ، زكات ، جهاد ، امر به معروف و نهي از منكر ، هم اثر فردي دارد هم اثر اجتماعي . در اين ميان حج است كه علاوه بر داشتن آثار دوگانه ، اثر جهاني را هم با خود به همراه دارد . اين است كه گاه در ترازوي اسلام ، وزنه حج بر نماز و روزه سنگيني مي كند و با فضيلت تر به شمار مي رود . ( 1 )

در جهان اسلام ، تقويت دين و پيوند مسلمانان به حج بستگي دارد . ( 2 ) كعبه ، نماد و مظهر اسلام است . ( 3 ) دين جهاني اسلام ، تا آن جا ماندگار است كه حج ماندگار باشد . ( 4 ) خداوند متعال تا آن جا مسلمانان را مهلت مي دهد كه حج رَوي و مناسك حج را ترك نكنند ؛ و خانه خدا را خالي نگذارند . ( 5 )

حج ، جداي از آثار جهاني ، آثار مادي و معنوي ويژه اي را هم در انسان پديدار مي كند :

حج پذيرفته شده در پيشگاه خداوند ، پاداشي جز بهشت ندارد . ( 6 ) حج گزار ، از گناه پاك مي شود ، همانند روزي كه از مادر متولد شده است . ( 7 ) هر مالي و نعمتي را پاسخگويي لازم است ، مگر هزينه كردني كه در راه جهاد براي خدا و زيارت كعبه انجام گرفته باشد . ( 8 ) حج مايه سلامتي بدن ، افزايش درآمد و شايستگي در ايمان خواهد بود . ( 9 ) آن كه حج واجب انجام دهد ؛ آزادي از آتش جهنم پاداش اوست ؛ و اگر دوباره رود ، تا پايان عمر سعادتمند خواهد زيست ؛ و اگر سه باره پشت سرِ هم حج كند ، همانند كسي است كه هرساله به حج رود . ( 10 ) چنين كسي ديگر روي فقر و تهيدستي نخواهد ( 11 ) ديد .

حج ، در عمر انسان بالغ و عاقل ، بيش از يك بار واجب نيست ؛ اما از چنان اهميتي برخوردار است كه در سفارش پيشوايان اسلام مي خوانيم : « اگر مي توانيد در زندگيتان به نان و نمك قناعت كرده و ساليانه به حج رويد ، چنين كنيد ! »

گاه فقيهان قديم شيعه ، حج رَوي را در روايت هاي رسيده به قدري عميق يافته اند كه به واجب بودن همه ساله آن فتوي داده اند . ( 12 ) زيرا علاوه بر تأكيدهاي فراوان براي رفتن به حج ، از كساني هم كه با وجود استطاعت ، به حج نمي روند ، كافر نام برده مي شود . ( 13 )

تعريف استطاعت

« استطاعت ، اصطلاح كلامي به معناي توانايي ( قدرتِ ) انجام دادن كار ( فعل ) از سوي انسان است كه متكلّمان درباره ماهيت

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . « وَقَدْ رُوِيَ أَنَّ الْحَجَّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلاَةِ وَالصِّيَامِ » ، من لا يحضره الفقيه ، شيخ صدوق ، 1413هـ . ق ، بيروت ، دارالأضواء ، ج2 ، ص170

2 . علي ( عليه السلام ) : « الْحَجَّ تَقْرِبَةً لِلدِّينِ » ـ نهج البلاغه صبحي صالح ، حكمت 252

3 . علي ( عليه السلام ) : « جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَي لِـلاِْسْلامِ عَلَماً » ، همان ، خطبه اول .

4 . امام صادق ( عليه السلام ) : « لاَ يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ » ، وسائل الشيعه ، شيخ حرّ عاملي ، 1378هـ . ق بيروت ، دار إحياء التراث العربي ، ج8 ، ص14

5 . علي ( عليه السلام ) : « وَاللَّهَ اللَّهَ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لا تُخَلُّوهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاظَرُوا » ، نهج البلاغه ، نامه 47

6 . رسول الله ( صلّي الله عليه وآله ) : « الحجّ الْمَبْرُور لَيس لَهُ جَزاءٌ إلاّ الْجَنّة » ، كنز العمّال ، فاضل هندي ، 1224هـ . ق بيروت ، دارالكتب العلمية ، ج5 ، ص3 و مستدرك الوسائل ، ميرزا حسين نوري ، 1407هـ . ق قم ، مؤسسه آل البيت ( عليه السلام ) لإحياء التراث ، ج8 ، ص41

7 . ابوعبدالله ( عليه السلام ) عن أبيه : « مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ حَاجّاً أَوْ مُعْتَمِراً مُبَرَّأً مِنَ الْكِبْرِ رَجَعَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ » ، فروع كافي ، شيخ كليني ، 1350 ، دارالكتب الإسلامية ، ج4 ، ص252

8 . عن رسول الله ( صلّي الله عليه وآله ) : « وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) كُلُّ نَعِيم مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ إِلَّا مَا كَانَ فِي غَزْو أَوْ حَجّ » ، سفينة البحار ، شيخ عباس قمي ، بي تا ، انتشارات فراهاني ، ج1 ، ص211

9 . قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ( عليه السلام ) يَقُولُ حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَتَتَّسِعْ أَرْزَاقُكُمْ وَ. . . » ؛ ثواب الأعمال ، شيخ صدوق ، ترجمه علي اكبر غفاري ، 1363 ، 108

10 . وَقَالَ الصَّادِقُ ( عليه السلام ) مَنْ حَجَّ حَجَّةَ الاِْسْلاَمِ فَقَدْ حَلَّ عُقْدَةً مِنَ النَّارِ مِنْ عُنُقِهِ وَمَنْ حَجَّ حَجَّتَيْنِ لَمْ يَزَلْ فِي خَيْر حَتَّي يَمُوتَ وَمَنْ حَجَّ ثَلاَثَ حِجَج مُتَوَالِيَة ثُمَّ حَجَّ أَوْ لَمْ يَحُجَّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مُدْمِنِ الْحَجِّ » ؛ من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص162

11 . عَنِ الصّادق ( عليه السلام ) : « مَنْ حَجَّ ثَلاَثَ حِجَج لَمْ يُصِبْهُ فَقْرٌ أَبَداً » ؛ خصال ، شيخ صدوق ، باب ثلاثة ، حديث 93

12 . حج در قرآن ، شهيد سيد محمد حسيني بهشتي ، 1378 ، دفتر نشر فرهنگ اسلامي ، 103

13 . پيامبر اسلام به علي ( عليه السلام ) : « يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ كَافِرٌ . . . » ؛ وسائل الشيعه ، ج8 ، ص21

آن و همچنين نسبتش با فعل اختلاف نظر دارند .

استطاعت ، مصدر باب استفعال از ريشه « طوع » است . راغب اصفهاني مي گويد : استطاعت به معناي وجود چيزي است كه به سبب آن امكان پذير مي شود و انسان بهوسيله چهار امر استطاعت مي يابد كه خواسته هايش را به عنوان فعل پديد آورد :

1 . نيرو يا قدرت ويژه اي كه از آنِ فاعل است .

2 . تصور كردن فعل .

3 . ماده اي كه پذيراي تأثير فعل است .

4 . ابزار انجام دادن فعل ( اگر فعل به ابزار نيازمند باشد ) .

عجز ، ضدّ استطاعت است و عاجز كسي است كه فاقد يك يا چند امر از امور يادشده باشد . بدين قرار ، هرگاه فردي اين امور را دارا باشد ، مطلقاً مستطيع ، و هرگاه فاقد همه آنها باشد ، مطلقاً عاجز است ؛ و زماني كه داراي برخي و فاقد برخي ديگر باشد ، از جهتي مستطيع ، و از جهتي عاجز است ؛ و بهتر آن است كه او را عاجز بخوانند . استطاعت اخصّ از قدرت است . ( 1 )

مبحث استطاعت از نخستين مباحث كلامي به شمار مي رود . « جبرگرايان » ، استطاعت را همراه با فعل مي دانند ؛ يعني آنان معتقدند كه ياري خداوند ، در زمان انجام دادن فعل و به همراه آن مي رسد و اين ياري همان استطاعت است . « عدل گرايان » به سبب مختار دانستن انسان در كارهايش ، به استطاعت قبل از فعل معتقدند . هشام بن حكم ـ متكلم امامي ـ با بهره گيري از سخنان معصومان ( عليهم السلام ) ، بر اين باور است كه استطاعت دو جنبه دارد ؛ يك جنبه آن ، توفيقي است كه كار مخلوق نيست و اين جنبه همراه با فعل است ؛ اما جنبه ديگر آن ، استطاعتي است كه از جهت تندرستي ، وسع ، توانايي و سلامت اعضاست . اين جنبه ، پيش از فعل است و خطاب تكليف كننده نيز به آن تعلّق مي گيرد . ( 2 )

اگر مي توانيد در زندگيتان به نان و نمك قناعت كرده و ساليانه به حج رويد ، چنين كنيد !

آن چه در مفهوم استطاعت ، منطقي مي نمايد و آيات قرآني و روايات آن را تأييد مي كند ، همان است كه هشام بن حكم گفته است ؛ « يعني استطاعت پيش از فعل و همراه با آن » .

براي رفتن به حج ابتدا عقل ، ايمان ، نيت و پول لازم است ، اما اين ها همه كافي نيست . تا در بدن توانايي حركت و اجراي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . دائرة المعارف بزرگ اسلامي ، جمعي از نويسندگان ، تهران ، 1377 ، ج8 ، ص192

2 . همان ، صص193 و 194

مناسك حج نباشد ، اعمال حج امكان برگزاري نخواهد داشت .

سيداي نسفي در اين خصوص چه زيبا سروده است :

احرام كعبه را به تصوّر مكان تمام \* \* \* اين راه ، قطع ، بي مدد پا نمي شود ( 1 )

استطاعت در قرآن

استطاعت از ريشه « طوع » ، در صيغه هاي مختلف باب استفعال ، 42 بار در قرآن آمده است . اهل لغت ، استطاعت را توانستن ، و ممكن شدن انجام كاري ، معني كرده اند . واژه مخالف آن « عجز » است كه به معني ناتواني و واماندگي است . ( 2 )

ازاين رو ، كسي كه از لحاظ مادي و معنوي يا جسمي و روحي قادر به انجام كاري بوده و ابزار كار برايش فراهم باشد ، او « مستطيع » است ؛ در غير اين صورت « عاجز » است و معذور .

فقيه دامغاني در تفسير واژه قرآني « استطاعت » چنين مي نويسد :

« الإستطاعة علي وجهين : السعة في المال ، الطاقة في القلب » :

الوجه الأول

ـ { وَسَيَحْلِفُونَ بِاللهِ لَوِ اسْتَطَعْنا لَخَرَجْنا مَعَكُمْ } ( 3 ) يعني لو وجدنا السعة في المال .

ـ { وَلِلّهِ عَلَي النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً } ( 4 ) يعني من وجد سعة في المال علي أن يحجّ قدر ما يبلغه .

ـ { وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً } ( 5 ) أي : فمن لم يجد في المال سعة « أن ينكِحَ المُحصناتِ » .

الوجه الثاني

ـ { وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ } ( 6 ) يقول لن تطيقوا أن تعدلوا بين النساء في الحبّ .

ـ { فَاتَّقُوا اللهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ } ( 7 ) يعني ما أطقتُم . ( 8 )

استطاعت در قرآن بر دو معني آمده است : توانگري و توانايي به عنوان مثال :

1 ) در مفهوم توانگري

ـ ( منافقان ) به زودي به خدا سوگند ياد مي كنند كه : « اگر توانايي داشتيم همراه شما براي ( جهاد ) حركت مي كرديم » يعني اگر مالي داشتيم ( كه معاش خانواده و هزينه خريد سلاح و . . . را تأمين كنيم با سپاه اسلام به سوي ميدان روانه مي شديم ) .

ـ براي مردمي كه راهي يابند ، رفتن به خانه كعبه واجب است ؛ يعني مقدار دارايي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . ديوان سيداي نسفي ، با تصحيح و تعليق حسن رهبري ، 1382 ، انتشارات بين المللي الهدي ، ص276

2 . نكـ : مفردات راغب اصفهاني ، 1393هـ . ق دارالكاتب العربي ( افست قم ، دارالكتب العلميه ) ، ص319

3 . توبه : 43

4 . آل عمران : 97

5 . نساء : 25

6 . نساء : 129

7 . تغابن : 16

8 . الوجوه والنظائر ، فقيه دامغاني ، 1390هـ . ق بيروت ، دارالعلم للملايين ، ص300

كه براي حج لازم است ، ( داشته باشند ) .

ـ كسي كه توانايي مالي براي ازدواج با زنان پاكدامن مؤمن ندارد ، پس با كنيزان مؤمن ازدواج نمايد .

2 ) در معني توانايي قلبي :

ـ شما هرگز نمي توانيد در ميان زنان ، به عدالت رفتار كنيد ؛ يعني نمي توانيد علاقه يكسان به آنان داشته باشيد .

ـ تقواي الهي پيشه كنيد تا مي توانيد ؛ يعني تا آن جا كه طاقت داريد .

با توجه به معناي « استطاعت » ، « مستطيع » كسي خواهد بود كه براي انجام كاري قدرت بدني و امكانات مادي داشته باشد . البته نوع كارها از هم متفاوت اند ؛ برخي تنها توان جسمي ، برخي به توان فكري ، برخي به توان مادي و برخي ديگر به وجود هر دو يا هر سه با هم نيازمند مي باشند .

نماز ، با رمقي از توان جسمي و فكري قابل انجام است ؛ روزه ، انرژي بيشتري نسبت به نماز ، نياز دارد ؛ اما حج ، غالباً با پيمايش مسافت بسيار طولاني همراه است . چنين مسافرتي ، مركبي هموار و ساز و برگي بسيار مي طلبد . از اين رو ، تحمّل سختي هاي راهپيمايي تا مكّه مكرمه ، انجام اعمال و مناسك حج و اسكان چند روزي در شهر مكه ، هم قدرت بدني و فكري مي خواهد و هم قدرت مالي .

پس ، از منظر قرآن و عقل ، استطاعت در حج ، مستلزم سلامت جسم است و داشتن درهم و ديناري عرف پسند براي تأمين هزينه سفر و هزينه خانواده اش به اندازه بسندگي در روزهاي مسافرت به خانه خدا و بازگشت از آن .

حال ، شايد كسي راهي نزديك يا حتي راهي دور ، اما با قدرت بدني زيادي كه دارد ، پاي پياده حج رود و ديگري توان تهيه چهارپايي لاغراندام داشته باشد و با آن آهنگ كعبه كند ؛ و آن يكي هم با خودرو و هواپيما به اين سفر معنوي رو نهد . به هرحال دستور خداوندي بر اين است كه از مليت ها و قشرهاي مختلف امت اسلامي بايد هر سال در كنگره عظيم حج حضور يافته و در تمرين شيوه هاي عبوديت به روش ابراهيمي ، درس زندگي سعادتمند را فراگيرند و بدانسان رفتار نمايند . متن دعوت نامه خداوند سبحان از مردم ، كه ابلاغ آن را به عهده پيامبرش حضرت ابراهيم ( عليه السلام ) مي گذارد چنين است :

{ وَأَذِّنْ فِي النّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجالاً وَعَلي كُلِّ ضامِر يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجّ عَمِيق } . ( 1 )

« ( اي ابراهيم ) ، مردم را به حج دعوت كن تا پياده و يا سوار بر مركب هاي لاغراندام ، از هر راه دوري به سوي تو روان شوند . »

اين دعوت ، عمومي است و همه جهانيان را دربرمي گيرد ؛ امّا بديهي است كه هر تكليفي از عهده هركس برنمي آيد ؛ در ضمن محدوديت زماني ايّام حج و محدوديت مكاني كعبه ، اجازه حضور همگاني در حج را نمي دهد . ازاين رو :

{ وَلِلّهِ عَلَي النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً } ( 2 )

« از جانب خداوند سبحان ، حج بر كسي واجب است كه توانايي براي حج كردن داشته باشد . »

استطاعت در روايت

معناي « استطاعت » در قرآن را دانستيم ، حال ببينيم كه روايت ها در معناي فقهي استطاعت چه مي گويند :

1 ـ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ( عليه السلام ) قَالَ : قَالَ اللَّهُ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ { وَلِلّهِ عَلَي النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً } قَالَ : هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَصِحَّةٌ . . . » . ( 3 )

امام صادق ( عليه السلام ) در تفسير آيه استطاعت حج فرمود : وجوب حج براي كسي است كه دارايي و سلامتي را داشته باشد .

2 ـ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّار قَالَ : « سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ( عليه السلام ) عَنْ رَجُل لَهُ مَالٌ وَلَمْ يَحُجَّ قَطُّ قَالَ هُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَي { وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَعْمي } . ( 4 )

راوي مي گويد : از امام صادق ( عليه السلام ) از حال مردي كه امكان مالي دارد ولي هرگز به حج نرفته است پرسيدم ، فرمود : آن كس ،

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حج : 27

2 . آل عمران : 97

3 . وسائل الشيعة ، ج8 ، ص16

4 . همان ، ص17

مصداق اين سخن خداوند است كه مي فرمايد : « روز قيامت نابينا ظاهر مي شود » .

3 ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِم قَالَ : قُلْتُ لاَِبِي جَعْفَر ( عليهما السلام ) قَوْلُهُ تَعَالَي { وَلِلّهِ عَلَي النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا } قَالَ : يَكُونُ لَهُ مَا يَحُجُّ بِهِ » . ( 1 )

محمد بن مسلم مي گويد : از امام محمد باقر ( عليه السلام ) از معناي آيه « استطاعت حج » پرسيدم ؛ فرمود : هرچه حج بدان بستگي دارد ، [ استطاعت ] را شامل مي شود .

كسي كه از لحاظ مادي و معنوي يا جسمي و روحي قادر به انجام كاري بوده و ابزار كار برايش فراهم باشد ، او « مستطيع » است ؛ در غير اين صورت « عاجز » است و معذور .

4 ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَي الْخَثْعَمِيِّ ؛ قَالَ : سَأَلَ حَفْصٌ الْكُنَاسِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ( عليه السلام ) وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ { وَلِلّهِ عَلَي النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا } مَا يَعْنِي بِذَلِكَ ؟ قَالَ : مَنْ كَانَ صَحِيحاً فِي بَدَنِهِ مُخَلًّي سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ لَهُ حَفْصٌ الْكُنَاسِيُّ : فَإِذَا كَانَ صَحِيحاً فِي بَدَنِهِ مُخَلًّي سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحُجَّ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ ؟ قَالَ نَعَمْ » . ( 2 )

راوي مي گويد كه حفص كناسي آن گاه كه من هم حضور داشتم ، از امام صادق ( عليه السلام ) از تفسير آيه « استطاعت حج » پرسيد . حضرت فرمود : آيا كسي كه از لحاظ جسمي سالم است راه حج امنيت لازم را دارد ، توشه راه و مركب برايش فراهم است ، يا اين كه دارايي لازم را داشته باشد ، او مستطيع نمي شود ؟ كناسي گفت : يعني كسي كه داراي اين ويژگي ها باشد مستطيع است ؟ حضرت فرمود : آري !

5 ـ عَنِ الرِّضَا ( عليه السلام ) فِي كِتَابِهِ إِلَي الْمَأْمُونِ قَالَ : « وَحِجُّ الْبَيْتِ فَرِيضَةٌ عَلَي مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً ، وَالسَّبِيلُ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ مَعَ الصِّحَّةِ » . ( 3 )

امام رضا ( عليه السلام ) در نامه اي به مأمون نوشت : حج براي هر مستطيعي واجب است و منظور از راه داشتن : توشه و مركب و سلامتي بدن است .

6 ـ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ ، قَالَ : « سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ( عليه السلام ) عَنْ قَوْلِهِ { وَلِلّهِ عَلَي النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً } قَالَ : الصِّحَّةُ فِي بَدَنِهِ وَالْقُدْرَةُ فِي مَالِهِ » . ( 4 )

راوي گويد از امام صادق ( عليه السلام ) از تفسير آيه « استطاعت حج » پرسيده ، فرموده است :

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان ، ص22

2 . استبصار ، شيخ طوسي ، 1390هـ . ق تهران ، دارالكتب الاسلامية ، ج2 ، ص139 و كافي ، ج4 ، ص267

3 . وسائل الشيعه ، ج8 ، ص23

4 . همان ، ج8 ، ص24

سلامتي در جسم و توانايي در مال است .

7 ـ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّد ( عليهما السلام ) . . . قَالَ : وَحِجُّ الْبَيْتِ وَاجِبٌ لِمَنْ ( عَلَي مَنِ ) اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً وَهُوَ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ مَعَ صِحَّةِ الْبَدَنِ وَأَنْ يَكُونَ لِلْإِنْسَانِ مَا يُخَلِّفُهُ عَلَي عِيَالِهِ وَمَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ بَعْدَ حَجِّهِ » . ( 1 )

امام صادق ( عليه السلام ) فرمود : رفتن به خانه خدا بر هر كسي كه استطاعت رفتن داشته باشد واجب است و استطاعت آن است كه : توشه راه ، مركب سواري ، تندرستي ، و مخارج اهل و عيال خود را تا هنگام بازگشت از مكه داشته باشد .

اين ها نمونه رواياتي بود كه از كتاب هاي حديثي ، در اين جا آورديم . روايات ديگري هم وجود دارد كه به دليل يكسان بودن مضمون آن ها و پرهيز از طولاني شدن مطلب ، از بيان همگي خودداري كرديم .

چنانكه ملاحظه كرديد ؛ چه در قرآن و چه در روايات ، مفهوم فقهي استطاعت ، داشتن توانايي انجام حج با تمام امكانات لازم براي سفر به خانه خدا است .

همان گونه كه براي رفتن به يك سفري و انجام مأموريتي ، داشتن پول ، ابزار كار ، وسيله سفر ، صحّت بدن و تأمين نيازمندي هاي خانواده اي كه در خانه بي سرپناه خواهند ماند لازم است و عقل و عرف چنين برنامه ريزي را لازمه سفر مي شمارد ، شرع نيز ، عقل و عرف بشري را همراهي كرده و دريافت آن ها را براي عملي شدن اين سفر مهم الهي پسنديده و امضا كرده است .

اما بديهي است كه امروزه ابزار سفر ، زمان سفر ، ميزان نقدينگي و . . . با توجه به شرايط روز و روابط بين المللي ، به مراتب با گذشته فرق كرده و به روز كردن تكاليف وارده ، از ضروريات زماني و مكاني در فقه اسلامي تبعيّت خواهد كرد .

اين جستار پس از بيان ديدگاه برخي از فقيهان جهان تشيع در استطاعت حج ، مفهوم امروزين استطاعت را مورد نظر دارد كه بدان خواهد پرداخت .

استطاعت در نگاه فقيهان

فقيهان شيعه و سني ، براي وجوب حج ، شرايط پنج گانه زير را قائل شده اند :

1 . اسلام ( 2 )

2 . بلوغ

3 . عقل

4 . آزاد بودن

5 . استطاعت ( 3 )

اما در مفهوم استطاعت ، اختلاف نظر

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . خصال ، شيخ صدوق ، ترجمه سيد احمد فهري زنجاني ، انتشارات علميه اسلاميه ، ج2 ، ص733

2 . بعضي از فقيهان شيعه ، اسلام را معتبر نمي دانند ، نكـ : الدروس الشرعيه ، شهيد اول ، بنياد پژوهش هاي اسلامي آستان قدس رضوي ، 1417هـ . ق ج1 ، ص270

3 . فقه السنه ، السيد سابق ، قاهره ، دارالفتح الأعلام العربي و بيروت ، المكتبة العصرية ، 1420هـ . ق ج1 ، ص637 ونكـ : اللمعة الدمشقية ، شهيد اول ، كتاب الحج ، فصل اول ( في شرائطه وأسبابه ) و المحجة البيضاء ، فيض كاشاني ، بيروت مؤسسة الأعلمي للمطبوعات ، 1403هـ . ق ج2 ، ص160

وجود دارد . برخي توان مالي را براي استطاعت بسنده مي دانند برخي توان بدني را و گروهي توان مالي و بدني را يكجا شرط استطاعت مي شمرند .

فاضل مقداد در كتاب معروف « كنز العرفان » مي نويسد :

با توجه به اين كه حديث نبوي ( صلّي الله عليه وآله ) ، كه استطاعت را داشتن توشه و سواري ( الزاد والراحلة ) تفسير مي كند ، بنابراين :

شافعي ، تنها توان مالي را شرط استطاعت مي داند . پس مطابق اين ديدگاه ، كسي كه از كار افتاده و زمين گير است ، ولي توان مالي دارد ، حج بر او واجب مي شود و بايد به جاي خود كسي را به حج بفرستد .

مالك ، توان جسمي را شرط استطاعت مي داند . برابر ديدگاه او ، كسي كه توان راه رفتن و كسب و كار را [ حتّي به گدايي ] ( 1 ) در طول مسير حج داشته باشد ، حج بر او واجب مي شود .

ابوحنيفه ، توان مالي و بدني را به طور همزمان شرط استطاعت مي داند . برابر رأي او ، كسي كه توشه راه ، سواري ، هزينه رفت و آمد به حج و پس انداز لازم براي خود و هزينه خانواده اش را نداشته باشد ، حج بر او واجب نيست .

شيعه [ افزون بر ديدگاه ابوحنيفه ] ، داشتن سرمايه و امكاناتي كه پس از بازگشت از حج در كسب و كار كسي لازم است ، ( 2 ) و امنيت راه و داشتن وقت كافي براي رسيدن به حج را نيز از جمله شرايط استطاعت مطرح كرده اند . ( 3 )

البته برخي از فقيهان شيعه ـ همانند ديدگاه شافعي ـ استطاعت بدني را شرط وجوب ندانسته اند ؛ يعني آنان بر اين باورند كه اگر تمام شرايط حج براي كسي آماده باشد ، ولي به دليل مرض مزمني زمين گير است ، حج بر او واجب است و بايد به جاي خود كسي را به حج بفرستد . اما باوركنندگان به اين ديدگاه كم هستند ، بلكه ديدگاه غالب اين است كه افراد پولدار ناتوان و زمين گير مستطيع نمي شوند و نايب گرفتن براي حج هم بر آنان واجب نيست ( لو كان المتمكّن مريضاً لم يجب الإستنابة ) ؛ ( 4 ) مگر اين كه قبل از ناتواني و زمين گير شدن ، حج بر او محقّق شده باشد ؛ آنوقت واجب است كه از طرف خود نايبي را به حج بفرستد و اگر بميرد ، وارثان از سرمايه اش اين كار را انجام بدهند . ( 5 )

اولويت بندي واجبات درمقام استطاعت

از شرايط استطاعت آن است كه واجبِ مهم تر و مقدم تري بر حج وجود

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . مسالك الأفهام إلي آيات الأحكام ، جواد كاظمي ، مكتبة المرتضويه ، 1343هـ . ش ، ج2 ، ص105

2 . كنزالعرفان ، فاضل مقداد ، 1343 ، تهران ، مكتبة المرتضويه ، ج1 ، صص263 و 264

3 . مسالك الأفهام ، ص105 والمحجة البيضاء ، ج2 ، ص160

4 . تبصرة المتعلّمين ، علامه حلي ، تهران ، مكتبة العلمية الإسلاميه ، 1372هـ . ق ص39

5 . الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقيه ، شهيد ثاني ، قم ، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان ، چاپ سوم ، 1375هـ . ش ج1 ، ص243 و تحريرالوسيله ، امام خميني ، كتاب الحج ، مسأله 42 و 48 و مناسك حج ، ناصر مكارم شيرازي ، مدرسة الإمام علي بن ابي طالب ، 1374 ، ص22

نداشته باشد وگرنه استطاعت محقّق نخواهد شد ؛ مثلاً بدهكار در مقابل مطالبه طلبكار ، بدهكار حقوق واجب ( زكات ) ، نيازمند خانه ، مسكن ، ازدواج ، يا ديگر ضروريات زندگي براي خود يا افراد واجب النفقه ـ در صورتي كه رفتن به حج حيثيت اجتماعي او را لكه دار خواهد كرد ـ مستطيع نخواهد بود . ( 1 )

امام خميني ( ره ) در پاسخ به اين كه ، آيا حج مقدّم است يا ازدواج ؟ مي نويسد : اگر نياز به ازدواج دارند ، در صورتي مستطيع هستند كه علاوه بر مصارف حج ، مخارج ازدواج را هم داشته باشند . ( 2 )

استطاعت در موقعيت كنوني

امروزه با توجه به وضعيت سياسي ، اقتصادي و اجتماعي پيش آمده ، مفهوم استطاعت ، ديگر در همان مفهوم سي ـ چهل سال پيش باقي نمانده است . در گذشته ، زمان استطاعت را از روزهايي كه كاروان ها آماده ثبت نام مي شدند به حساب مي آوردند و هركس متناسب با وضعيتي كه در آن روزها داشت استطاعت مالي و بدني خود را مي سنجيد و تشخيص مي داد ؛ امّا از دو ـ سه دهه گذشته ، افزايش جمعيت كشورهاي اسلامي ، فزونيِ داوطلبان حج ، محدوديت هاي اسكان در مدينه و مكه ، محدوديت هاي پروازي ، ارزي ، امنيتي و . . . دست به دست هم داده و حالتي را پديد آورده است كه درخواست كنندگان بايد در يك فرصت معيّني ثبت نام كنند و سپس مدتي را در انتظار باشند تا قرعه كشي ، زمان سفر آنان به حج را معلوم كند . چه بسا كه پنج ـ شش سالي زمان انتظار به درازا بكشد ، كه چنين هم شده است !

ازاين رو ، در فرصت اعلان شده براي ثبت نام ، كساني كه خود را از لحاظ مالي در آن روز مستطيع مي شناسند و يا احتمال مي دهند كه تا اعلام اسامي آنان مستطيع خواهند شد ، با قرض كردن و فروش زيورآلات همسر و غيره نسبت به ثبت نام اقدام مي نمايند ، تا چه پيش آيد !

روشن است كه در فقه ، مقدّمه واجب ، واجب است و ثبت نام اوليه ، امروز يكي از مقدمات حج به شمار مي رود . بنابراين ، كسي كه در زمان اعلام ثبت نام ، استطاعت لازم را داشته باشد ، ثبت نام بر وي واجب خواهد بود . اگر پس از اعلام نتايج قرعه كشي ، نوبتش در همان سال اول قرار گرفت و تا زمان ثبت نام كاروان ها شرايط استطاعت برايش باقي بود ، حج بر او استقرار يافته و واجب مي باشد ؛ امّا اگر نوبتش در سال هاي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . نكـ : الدروس ، شهيد اول ، ص266 ؛ تحرير الوسيله ، ج2 ، ص120 ، مسأله 15 و استفتائات مختلف از مراجع عظام تقليد . . .

2 . استفتائات ، امام خميني ، دفتر تبليغات اسلامي قم ، 1366 ، ج1 ، ص435

ديگر قرار گرفت ، اختيار خواهد داشت كه نوبت را براي خود حفظ كند يا اين كه وديعه خود را از بانك يا سازمان حج و زيارت مسترد ، و در امور لازم سرمايه گذاري و يا هزينه نمايد .

حال در فرض اين كه وديعه را همچنان در بانك نگه داشته باشد ، زمان بررسي استطاعت مالي و جاني ، زماني خواهد بود كه شخص به سال نوبتش وارد شده و كاروان ها ثبت نام از حايزين شرايط را آغاز كرده باشند . اگر در چنين زماني ، از هر لحاظ ، خود را مستطيع مي داند ، حج بر او مستقر شده و واجب خواهد بود و اگر حتي مقداري از شرايط استطاعت را دارا نباشد ، مستطيع نخواهد بود و اگر چنين شخصي با اصرار و احساس علاقه مندي ، به حج برود ، از حَجّة الاسلام كفايت نخواهد كرد ؛ يعني اگر در سال هاي بعد مستطيع شد بايد به حج برود .

نظر فقيهان نسبت به استطاعت در وضعيت حاضر

مسأله اي كه مسلمانان ايران در موضوع استطاعت حج با آن روبه رو هستند ، همان است كه در بالا بدان اشاره كرديم ، امّا اين كه فقيهان شيعه در شرايط مذكور ، نسبت به مسأله چه حكمي دارند ، در اكثر رساله ها و استفتائات ، جز سكوت به چيزي نمي توان رسيد ، مگر در « تحريرالوسيله » كه مي نويسد :

« لو كان عنده ما يكفيه للحجّ ، فإن لم يتمكّن من المسير لأجل عدم الصحّة في البدن أم عدم تخلية السّرب ، فالأقوي جواز التصرف فيه بما يخرجه عن الاستطاعة » .

اگر نزد او مالي باشد كه براي حجش كفايت مي كند ، چنان كه به علت سالم نبودن خودش يا باز نبودن راه نتواند حج برود ، اقوي آن است كه تصرف در آن مال ، به طوري كه او را از استطاعت بيندازد ، جايز است :

« . . . والظاهر جواز التصرّف لو لم يتمكّن في هذا العام ، و إن علم بتمكّنه في العام القابل ، فلا يجب إبقاء المال إلي السنين القابلة » . ( 1 )

از شرايط استطاعت آن است كه واجبِ مهم تر و مقدم تري بر حج وجود نداشته باشد وگرنه استطاعت محقّق نخواهد شد

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . تحريرالوسيله ، امام خميني ( ره ) ، ترجمه علي اسلامي ، دفتر انتشارات اسلامي ، 1368 ، ج2 ، ص124 و 125

نتيجه

وجوب حج ، به استطاعت جاني ، مالي و فراهم شدن شرايط ، ابزار و امنيت سفر بستگي دارد . تنها ثبت نام كردن و واريز وديعه به حساب سازمان حج و زيارت ، استطاعت آور نيست . كسي را كه مقررات دولتي در همان سالِ ثبت نام ، اجازه رفتن ندهد ، به انتظار نشستن او براي سال هاي بعد الزام شرعي ندارد . او اختيار دارد وديعه اش را تا رسيدن نوبت در حساب واريزشده نگه دارد يا اين كه مطالبه و در امور مورد نظر خود مصرف كند ؛ امّا اگر وديعه اش را همچنان نگه داشت ، استطاعتش در سالي كه نوبت حج او رسيده است ـ منوط به داشتن تمام شرايط استطاعت در همان سال خواهد بود .